

غزل شماره ۴۹

روضه خلد برین خلوتِ درویشان است
بایه محشّی، خدمتِ درویشان است

کنجِ عزّت که طلیماتِ عجایب دارد
فتحِ آن در نظرِ رحمتِ درویشان است

قصرِ فردوس که رضوانش به درباری رفت
منظری از چمنِ نزهتِ درویشان است

آن چه ز رمی شود از پرتو آن قلبِ سیاه
کیمیاییست که در صحبتِ درویشان است

آن که پیشِ بَهْدِ تاجِ تکبر، خورشید
کبریاییست که در خشمِ درویشان است

دولتی را که نباشد غم از آسیبِ زوال
بی تَلَف بشود دولتِ درویشان است

خسروان، قبله حاجاتِ همانند ولی
سپشِ بندگی حضرتِ درویشان است

روی مقصود که شاهان به دعا می طلبند
منظرش آینه طلعت درویشان است

از کران تابه کران، لشکر ظلم است ولی
از ازل تابه ابد، فرصت درویشان است

ای توانگر مفروش این همه نخوت که تو را
سروزر در کف همت درویشان است

کنج قارون که فرومی شود از قهر هنوز
خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است

حافظ از آبِ حیاتِ اَزلی می‌خواهی
مَبْعَثِ خَاکِ درِ خلوتِ درویشان است

تفسیر فال

فریب مال و منال دنیا را نخور و در پی آرزوهای دور و دراز نباش. در دنیای امروز، بسیاری از افراد با وسوسه‌های مادی و زندگی پرزرق و برق مواجه هستند که می‌تواند انسان را از واقعیت‌ها دور کند. اما باید به یاد داشت که با قناعت و سادگی زندگی کردن، نه تنها روح انسان را آرام می‌کند بلکه به او این امکان را می‌دهد که بر ارزش‌های واقعی زندگی تمرکز کند. یک زندگی سرشار از قناعت می‌تواند غنای بیشتری نسبت به زندگی‌هایی داشته باشد که هر روزشان پر از سختی و غم است. به علاوه، رها کردن تکبر و غرور برای دستیابی به یک روحیه سالم‌تر بسیار حیاتی است. غرور ممکن است فرد را از ارتباطات انسانی عمیق دور کند و او را در دنیایی از تنهایی قرار دهد. در مقابل، ایمان به خود و باور به ارزش‌های انسانی می‌تواند راهگشای مسیرهایی باشد که موجب رشد فردی و اجتماعی خواهد شد. با پذیرش سادگی، ما می‌توانیم به عمق وجود خود دست یابیم و با دیگران همدلی

کنیم.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا